

شرق روزنامه

نگاه

خلأ تحقیقات انجام‌شده در حوزه سکونتگاه‌های غیررسمی کجاست؟

سیمین فروغ‌زاده: بی‌تردید پدیده سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران، یک مسئله بسیار جدی است. گستردگی و اهمیت این موضوع هم خود دلیل کافی برای انجام تحقیق در این زمینه است. در داخل کشور مقالات بسیاری در زمینه سکونتگاه‌های غیررسمی منتشر شده است. این مقالات که بر پایه تحقیقات علمی تدوین و منتشر شده است، از زوایای مختلف اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، کالبدی و… این اجتماع را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما این تحقیقات چه ویژگی‌هایی دارند؟ برای پاسخ به این سؤال تعدادی از تحقیقات انجام‌شده در زمینه سکونتگاه‌های غیررسمی در یک برش زمانی ۱۴ساله مورد بررسی قرار گرفتند. در این بررسی تمام مقالات فهرست‌شده در سه پایگاه داده علمی-پژوهشی (پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی(SID)، بانک اطلاعات نشریات کشور(magiran)، پورتال جامع علوم انسانی) با موضوع اسکان غیررسمی از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۴ شناسایی شد. از بین ۲۳۴ تحقیق یافت‌شده، پس از بررسی اولیه و حذف موارد نامعتبر و نامربوط، تعداد ۱۸۸ پژوهش وارد این مطالعه شدند. اگرچه نتایج حاصل از این بررسی نظام‌مند را نمی‌توان به کل تحقیقات انجام‌شده در زمینه سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران تعمیم داد اما می‌توان به‌عنوان یک تحقیق علمی به نتایج آن استناد کرد. این مطالعه نشان داد ۳۸ درصد این تحقیقات صرفاً به توصیف سکونتگاه‌های غیررسمی اختصاص دارد و ۱۶ درصد این تحقیقات آسیب‌های مختلف این سکونتگاه‌ها را موضوع تحقیق خود قرار داده‌اند. سایر موضوعات به ترتیب چنین است: علل شکل‌گیری و آینده سکونتگاه‌های غیررسمی (۱۳ درصد)، مشارکت و توانمندسازی (۱۱ درصد)، فرهنگ و کیفیت زندگی (۹ درصد)، مدیریت شهری و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی (۹ درصد)، مسائل بهداشتی و درمانی ساکنان (چهار درصد). این دسته از تحقیقاتی که به توصیف اسکان غیررسمی پرداخته‌اند، بیش از همه به وضعیت ساکنان (وضعیت سرمایه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) و مشکلات موجود در این سکونتگاه‌ها (بیش از همه مسائل اجتماعی، مسکن و کالبدی، اقتصادی، زیرساختی) توجه داشته‌اند. تحقیقاتی هم که رویکرد تبیینی داشته‌اند، عمدتاً به شناسایی علل شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی پرداخته‌اند و فرایندهای شکل‌گیری درون‌زا (نظیر: عوامل کلان ساختاری و ملی، چاره‌جویی فقرای شهری برای داشتن مسکن، مشکلات مربوط به روستا، جنگ هشت‌ساله با عراق و…) و برون‌زای آن (نظیر: مواجهه با مدرنیزاسیون، توسعه روزن‌زا و…) را بررسی کرده‌اند. پس از آن، شناسایی علل آسیب‌ها و رفتارهای ناپهناجر در بین ساکنان این سکونتگاه‌ها بخش قابل‌توجهی از موضوع این تحقیقات است. همه محققان و دانشگاهیان بسر این امر اتفاق نظر دارند که برای شناخت پدیده‌ها باید آنها را به طور جامع، شفاف، دقیق و منسجم توصیف کرد. با گذر از توصیف پدیده‌ها می‌توان به کشف علل و چرایی آن رسید که به آن «تبیین» می‌گویند. پس وقتی چیزی یک پدیده مشخص و چرایی آن هم شناسایی شود، می‌توانیم ادعا کنیم که نسبت به یک پدیده شناخت پیدا کرده‌ایم. پس با توصیف و تبیین، یک پدیده آشنا، تازه شناخته می‌شود. اما نکته قابل‌تأمل در این موضوع این نوشتار اینجا دو سؤال مطرح است و آن اینکه مگر ایده‌آل آن نیست که سکونتگاه‌های غیررسمی وجود نداشته باشد یا حداقل گسترش نیابد؟ و با توجه به اهمیت و گستردگی موضوع، مگر تحقیقات علمی کافی در این زمینه در ایران انجام نشده است؟ پاسخ این دو سؤال مثبت است. اما واقعیت آن است که به‌کرات از زبان مسئولان و تصمیم‌گیران کشور این موضوع را شنیده‌ایم که وضعیت چراکه شست‌وشوی بیش از حد به مرحله بحران رسیده است و چشم‌انداز نگران‌کننده‌ای از رشد آنها وجود دارد و مهم‌تر از همه اینکه ساکنان این مناطق با مشکلات مختلفی درگیر هستند. به‌طوری‌که بخش اعظمی از معضلات اجتماعی مثل کودکان فراری، کودکان کار، اعتیاد، خریدوفروش مواد مخدر و… با پدیده سکونتگاه‌های غیررسمی در هم آمیخته شده است.

بی‌شک یکی از روش‌های منطقی برای مقابله با مشکلات موجود در سکونتگاه‌های غیررسمی و جلوگیری از گسترش آن، شناخت این پدیده است. همان‌گونه که ابتدای این نوشتار اشاره شد، نتایج بررسی روی مقالات منتشرشده در یک دوره ۱۴ساله در نشریات علمی پژوهشی کشور، از این موضوع خبر می‌دهد که محققان در قالب طرح‌های کارفرمایی سازمان‌ها یا پایان‌نامه‌ها تا امروز در زمینه سکونتگاه‌های غیررسمی در سراسر کشور تحقیقات مختلفی در انجام داده‌اند و این شناخت حاصل شده است. اما نکته قابل‌تأمل و مهم آن است که این تحقیقات عمدتاً به توصیف و در مواردی به تبیین پرداخته‌اند و نتایج حاصل از این تحقیقات عملاً تغییری در مسائل مربوط به سکونتگاه‌های غیررسمی و شیوه زندگی ساکنان آن ایجاد نکرده است و چه‌بسا نگرانی‌های بیشتری هم دراین‌باره به‌وجود آمده است.

اگرچه از نگاه بسیاری از محققان هدف از بررسی یک مسئله شناخت کامل آن است، اما در مورد برخی از مسائل نظیر سکونتگاه‌های غیررسمی، این شناخت‌هاست که محققان در این وضعیت کلی این سکونتگاه‌ها و بازتولید مشکلات آن به اندازه کافی اطلاعات وجود دارد. سازمان‌ها یا پایان‌نامه‌ها تا امروز در زمینه سکونتگاه‌های غیررسمی در سراسر کشور تحقیقات مختلفی در انجام داده‌اند و این شناخت حاصل شده است. اما نکته قابل‌تأمل و مهم آن است که این تحقیقات عمدتاً به توصیف و در مواردی به تبیین پرداخته‌اند و نتایج حاصل از این تحقیقات عملاً تغییری در مسائل مربوط به سکونتگاه‌های غیررسمی و شیوه زندگی ساکنان آن ایجاد نکرده است و چه‌بسا نگرانی‌های بیشتری هم دراین‌باره به‌وجود آمده است.

«**عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی خراسان رضوی**

یادداشت

شهرداری تهران! حالت خوب است؟

منص حقیقی

در این روزها اخبار متفاوتی به گوشمان می‌رسد. ترامپ بر طبل جنگ می‌کوبد، آقای غلامی با وجود انتقادات دانشجویان وزیر علوم می‌شود، سینتا نیکنام در یک حرکت عجیب و بی‌سابقه از عضویت شورای شهر یزد خارج می‌شود، هوا باز سرد شده و آلودگی هوا پیداد می‌کند، جمعه هشت صبح در همسایگی‌ات تیراهن خالی می‌کنند…

هر سال به همین منوال می‌گذرد و هیچ چیز بهتر نمی‌شود. در این تکرار اتفاقات کسل‌بار و تلخ و درج‌ازدن اجتماعی، سازمان زیباسازی شهر تهران هم دست از سرمان برنمی‌دارد و بدون هماهنگی با ما، دیوار خانه‌مان را رنگ می‌کند؛ زرد بدرنگ و برای بار دوم.

صبح شش خرداد ۹۶، هنگام خروج از خانه به قصد کار، متوجه شدم دیوار خانه‌مان شبانه مورد حمله کارمندان شهرداری قرار گرفته و رنگی به‌غایت بدرنگ و زرد، تمام آجرهای زیبا و ۶۰ساله و قدیمی خانه‌مان را که به‌تازگی هم تمیز شده بود و بندکشی، پوشانده است.

شکایت بردیم به ۱۳۷.

اپراتور بنیوی شهرداری پس از پیگیری‌های متعدد گفت دلیل رنگ‌زدن این نوع دیوارهای قدیمی این است که زیباسازی معتقد است این دیوارها منظر شهر را زشت کرده‌اند.

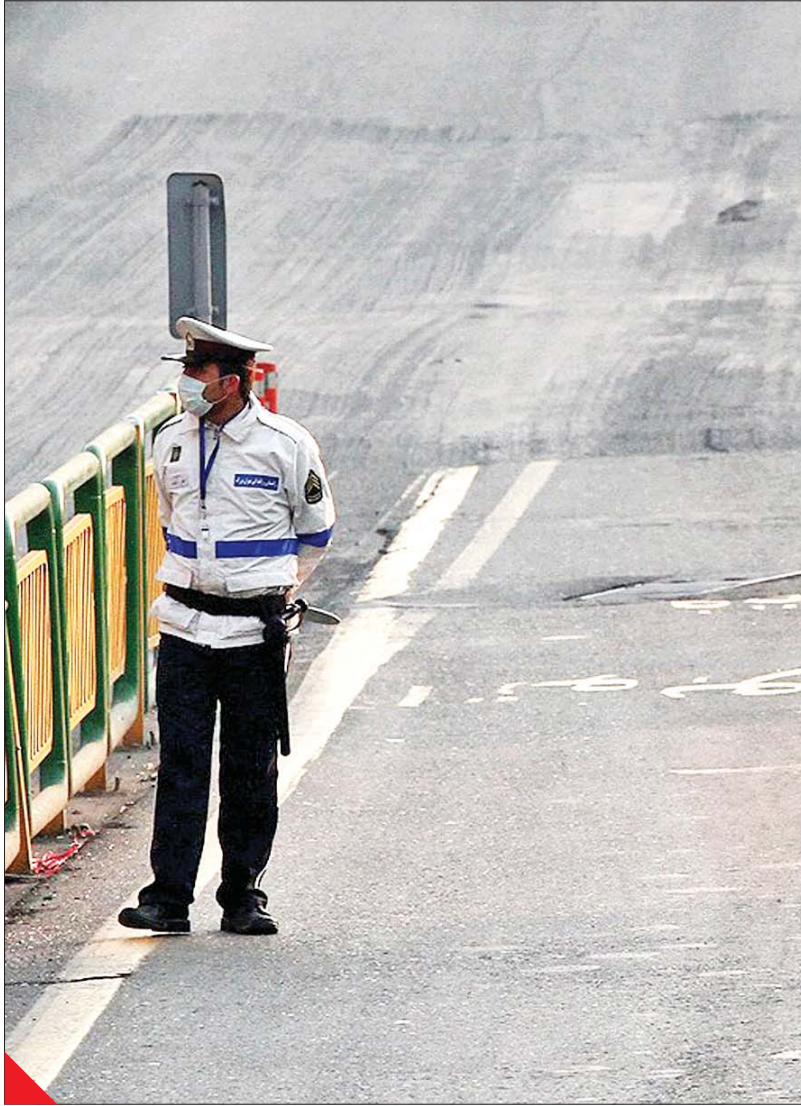
عجب! زیباسازی شهرداری برای «زیبایی» دیوارهای خانه‌ها حکم صادر می‌کند، یک جانبه، بدون هماهنگی با صاحب‌خانه و بدون رعایت مراحل قانونی. ما توانستیم پیگیری را ادامه دهیم تا اینکه دو مأمور شهرداری، یک خانم و یک آقا، آمدند و از دیدن دیوار شوکه شدند و از اینکه رنگ روی دیو، پیاده‌رو، برگ درختان، زنگ خانه و چراغ‌ها هم ریخته شده، افسوس خوردند و بر سر خود زدن و قول دادند که بررسی خواهند کرد.

دو روز بعد، شبانه، ماشین شهرداری آمد. با آپ داغ و فشار زیاد سعی در پاک‌کردن رنگ‌ها کرد و طبعاً حین این کار آجرهای قدیمی را هم لت‌وپار کرد و چیزی که ماند، دیواری آل‌پلنگی و زشت بود. فردای آن روز یکی از همان مأموران تماس گرفت و اذعان کرد رضایت کامل ما جلب نخواهد شد چراکه شست‌وشوی بیش از حد با آب داغ، باعث تخریب دیوار قدیمی خواهد شد.

درواقع منظورشان این بود که «بیخشد» در همین حد در توانمان بود، ما هم با وجود دلگیری، از این پیگیری سریع که در شهرمان کباب است، به وجد آمده بودیم و تشکر کردیم و تمام. چند روز بعد آستین بالا زدیم و با خرج خودمان حال و روز دیوار قدیمی خانه‌مان را تا حدی بهتر کردیم که هرروز این سهیل‌انگاری شهرداری روی بقیه اخبار اسفناک شهرمان اضافه نشود و اعصابمان به‌هم نریزد. دیوار را بندکشی کردیم و رنگ‌ها را تا جایی که می‌شد پاک و سعی کردیم این خاطره تلخ را فراموش کنیم.

تا دیروز، تا دیروز صبح. در غیبت ما و بدون هماهنگی، شهرداری منطقه ۳ مجدداً آمد و دیوار را، با همان زرد بدرنگ، مزین کرد.

تنها سؤال‌هایی که می‌ماند: «شهرداری تهران، دستتان از کار خالی است؟ حالتان خوب است؟».



عین‌جمعی

آلودگی هوا با ریه‌های مردم مناطق آلوده چه می‌کند؟

سالم می‌آییم مریض برمی‌گردیم

در مدت خدمتشان چقدر دچار آسیب شدند، اما در ایران این‌طور نیست. فقط روزی یک لیوان بهمون شیر می‌دن. روزهایی هم که آلودگی هوا شدت پیدا می‌کنه، بهمون ماسک می‌دن. در این مدت بارها رفتم دکتر، بهم گفتن شغلم را عوض کنم، اما مگر به همین آسانی‌ها‌س که استعفا کنم و برم دنبال یک کار دیگه، اونم تو این شرایط بی‌کاری. با اینکه به دلیل شغلمان دچار بیماری‌های زیادی می‌شیم، کار در پلیس راهور جزء مشاغل سخت نیست و بعد از ۳۰ سال خدمت با کلی مرضی بازنشته می‌شیم».

آیا خوردن شیر برای کاستن از اثرات مخرب آلودگی روی سلامت انسان تأثیری دارد؟ این سؤال را از دکتر صادقی می‌پرسم، او در پاسخ می‌گوید: «برخی از افراد تصور می‌کنند با خوردن شیر می‌توان از خطرات ناشی از آلودگی هوا جلوگیری کرد، اما این‌ یک باور غلط است. در گذشته برای جلوگیری از آسیب‌های ناشی از وجود فلزات سنگین مانند سرب از شیر استفاده می‌کردند که از نظر علمی کاملاً رد شده است. اما برای جلوگیری از گازهای PM۱0 می‌توان از ماسک‌های N95 استفاده کرد اما این ماسک نمی‌تواند جلوی گاز و ذرات دیگر را که برای بدن مضر است بگیرد. برای

دیگر ذرات آلوده در هوا باید از

فیلترهای خاصی استفاده کرد. افرادی که به هر دلیلی در معرض دود هستند، برای جلوگیری از آسیب‌های ناشی از تنفس هوای آلوده بهتر است میوه‌ها و مواد غذایی که حاوی آنتی‌اکسیدان هستند بخورند و از بینی نفس بکشند، چون بینی تا حدی هوا را تصفیه می‌کند. با نفس‌کشیدن از بینی، خوردن موادی که حاوی آنتی‌اکسیدان است، و استفاده از ماسک‌های فیلتردار می‌توان تا

حدی جلوی این آسیب‌ها را گرفت».

۸۴، ۸۳، چراغ قرمز است و ماشین‌ها اجازه عبور ندارند. درست آن طرف خیابان در ضلع جنوب غربی میدان فروشنده‌ها داخل مغازه‌ای که لباس بچه می‌فروشد، در حال پاسخ‌گویی به مشتری‌هایشان هستند. زن جوانی همراه دختر سه‌ساله‌اش داخل مغازه است و قیمت لباس‌ها را می‌پرسد. صاحب مغازه مرد ۴۰ساله‌ای است که با حوصله در حال نشان‌دادن لباس‌ها به مشتری‌هاست. او می‌گوید: «چند سال پیش وقتی ریه‌هایم دچار مشکل شد و به پزشک مراجعه کردم، او فکر کرد آزمایش پدرم را رایش برده‌ام وقتی به او گفتم بیمار خودم هستم

که در معرض دود هستند، بیشتر از همه در معرض بیماری‌های تنفسی هستند. برخی مطالعات در لندن نشان داده است کسانی که خانه‌هایشان در مجاورت اتوبان است بیشتر به آسم مبتلا می‌شوند و علائم بیماری‌شان تشدید می‌شود. به طور میانگین ۷۵ درصد آلودگی شهرهای بزرگی مانند تهران، مشهد و تبریز از اکروز ماشین‌هاست و ۲۵ درصد آن ناشی از سوخت‌های فسیلی برای گرم‌کردن خانه‌ها و… است که البته در فصل زمستان درصد آلودگی به واسطه سوخت‌های فسیلی بیشتر می‌شود. در چهارراه‌ها ذرات معلقی که از دود اکروز ماشین‌ها و چرخش لاستیک‌ها ایجاد می‌شود مانند ذرات Co، SO2، NO2، PM10 در محیط فراوان است و ایجاد آلودگی می‌کند. این ذرات به دلیل پدیده وارونگی هوا در فصل زمستان تأثیر مخرب بیشتری دارد و کسانی که در طولانی‌مدت در معرض این ذرات قرار می‌گیرند بیشتر در معرض بروز بیماری‌های انسداد ریه، سرطان، آسم و دیگر بیماری‌های تنفسی که ناشی از تنفس هوای آلوده است، هستند».

چراغ برای عابران پیاده قرمز است و خیل جمعیت برای عبور از خیابان ایستاده‌اند؛ کمی آن سوتر ماشین پلیس درحالی‌که چراغ آبی بالای سقفش روشن است کنار خیابان در ضلع جنوب غربی میدان صادقیه پارک کرده است. یکی از درجه‌داران که از ماشین پیاده شده، جلوی ۲۰۶ سفیدرنگی که مرتکب تخلف شده است را می‌گیرد و با پسر جوانی که راننده آن است حرف می‌زند، بعد از چند دقیقه راننده جوان سوار خودرویش می‌شود و حرکت می‌کند. ۴۴ سال دارد اما خطوط صورتش او را پیرتر

می‌نمایاند. ۲۰ ساله که تو راهور خدمت می‌کنم. بیش از ۹۰ درصد از همکارام تو راهور علاوه بر دیسک کمر و مشکلات ستون فقرات به دلیل ایستادانی طولانی‌مدت دچار بیماری‌های تنفسی و ریوی‌ان، منم مثل خیلی از همکارام به دلیل کار تو مناطق آلوده به آسم، آینه (وقفه تنفسی در خواب یا قطع تنفس در خواب) و آلرژی مبتلا شدم. بیماری تنفسی بین همکارای ما به امر طبیعی». در پاسخ به این سؤال که هرچند وقت یک بار از طرف محل کارتان چکاپ می‌شوید پوزخندی می‌زند و می‌گوید. «خانم اینجا که سونیس نیست. پلیس‌های کشورهای پیشرفته حتی ناخن دستشون را هم آزمایش می‌کنن که ببینن

سمیرا حسینی؛ سالم می‌آییم مریض برمی‌گردیم؛ این را سربازی ۱۹ساله می‌گوید که دوره خدمتش را در پلیس راهور می‌گذراند. سوت می‌زند و تا تابلوی ایستی که در دست دارد، به وسط خیابان می‌رود تا جلوی ماشین‌های شمال به جنوب را بگیرد، با توقف ماشین‌ها سبیلی از ماشین‌ها از شرق به غرب روانه می‌شوند. «اینجا نسبت به خیلی جاها آلودگی هواش کمتره، میدان آزادی نزدیک جاده مخصوص آلودگیش خیلی زیاده؛ از دود اتوبوس و ماشین‌های دیگه مگه میشه نفس کشید. اگه سربازا کار اشتباهی انجام بدن یا دیر برن سر پستشون، برای تنبیه اونارو می‌فرستن اونجا. الان شما برو اونجا، متوجه می‌شی هواش اینجا چقدر تفاوت داره؛ چند دقیقه اونجا باشی سردرد و حالت تهوع می‌گیری. یک بار منو تنبیهی فرستادن آزادی، خیلی حالم بد شد». سوت می‌زند و با دست به ماشین‌ها اشاره می‌کند حرکت کنند. «همش تو خیابون هستیم، هر هفته به صورت چرخشی سر یک چهارراه یا خیابون می‌ایستیم. برای اینکه دچار بیماری تنفسی نشیم به ما ماسک معمولی می‌دن و می‌گن ماسک بزنید اما مشکل آلودگی با این ماسک حل نمیشه، بعد از دوره آزمایشی بهم گفتن باید پیام پلیس راهور من تا حالا نگرفتم، راننده تاکسی‌ها ماشین‌هایشان را کنار خیابان پارک کرده‌اند و دنبال مسافر می‌گردند. یکی از آنها فریاد می‌زند آزادی دو نفر، آن یکی با حالتی ریت‌دم‌ار می‌گوید آزادی؛ استاد معین، آزادی؛ استاد معین. صدای راننده تاکسی‌هایی که با یکدیگر برای آلوده آزمایشی بهم گفتن باید پیام پلیس راهور موتوری که از کنارشان عبور می‌کند، گم می‌شود.

کمی آن سوتر سرباز جوانی با دست به راننده ماشین‌ها اشاره می‌کند حرکت کنند. «۲۰ماهه تو پلیس راهور خدمت می‌کنم و تو خیابون‌ها می‌ایستم از بروجرد اومدم؛ اونجا هواش مثل تهران نیست. بعد از دوره آزمایشی بهم گفتن باید پیام پلیس راهور خدمت کنم. یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتمون آلودگی هواست، چند تا از سربازا به‌خاطر آلودگی در محلی که خدمت می‌کنیم صداشون تغییر کرده و دچار مشکلات ریوی شدن، پزشک بهشون گفته نباید در مناطق آلوده بایستن و از ماسک استفاده کنن اما ماسک هم فایده نداره. امروز از ساعت ۶ صبح تو خیابون بودم فقط ساعت ۱:۳۰ تا پنج برای ناهار و استراحت رفتم تا ساعت ۹ شب هم باید سریا تو خیابون باشم». سرفه اجازه نمی‌دهد حرفش را ادامه دهد؛ بعد از اینکه گلویش را صاف کرد می‌گوید: «اوایل خدمت تو راهور خیلی برام سخت بود اما الان عادت کردم؛ دیگه چیزی نمونه سربازیم داره تنوم میشه. کارکردن تو راهور خیلی سخته؛ ما بعد از دو سال دیگه مجبور نیستیم تو خیابونا باشیم و هوای آلوده تنفس کنیم اما کسانی که در راهور کار می‌کنن دچار بیماری‌های زیادی می‌شن. من هرگز حاضر نیستم در چنین شرایطی کار کنم. یکی از سرگردها که امروز نیومده سر کار و رفته مرخصی، به سختی حرف می‌زنه، به‌خاطر اینکه تو مناطق جنوبی خدمت کرده. آلودگی توو این مناطق خیلی بیشتره، برای همین حنجرش آسیب دیده».

آسیب‌دیدن کسانی مانند این پلیس راهور که فعالیت روزمره آنها در جاهایی مثل چهارراه‌های شلوغ و آلوده است را متخصصان هم تأیید می‌کنند. در همین رابطه دکتر حسن‌الله صادقی، فوق‌تخصص بیماری‌های ریوی در گفت‌وگویی با «شرق» می‌گوید: «کسانی که به دلیل شرایط شغلی مجبور هستند در چهارراه‌ها و مناطقی که در آن آلودگی هوا زیاد است کار کنند مانند پلیس راهنمایی و رانندگی، راننده تاکسی‌ها، دست‌فروشان، افرادی که در چهارراه‌ها تگدی‌گری می‌کنند یا کسانی که خانه‌شان در مجاورت خیابان و اتوبان است و به‌طورکلی افرادی